



Research Paper

Comparative Study of Historicism and Traditionalism in Islamic Era Art with an Emphasis on Architecture Sense and Decorations of Soltanieh Dome

Farzad feyzi^{*1} , Ardeshir javanmardzadeh²

¹ Ph.D. of Archeology in University of Mohaqeq Ardabili, Ardabil, Iran. Email: farzadfezyi92@gmail.com

² Associate Professor of Archeology Department, Faculty of Social Sciences, University of Mohaqeq Ardabili. Email: ardeshir.javanmard@gmail.com



10.22080/JIAR.2023.24043.1032

Received:

Marc/30/2025

Revised:

Jun/07/2025

Accepted:

Sep /05/2025

Keywords:

Islamic Era Art,
Historicism,
Methodology,
Traditionalism, Soltanieh
Dome.

Abstract

Different methodologies for studying Islamic era art have led to diverse and sometimes contradictory results. Despite the great body of theoretical literature, there is a lack of monographic and instance research. This study aims to investigate comparatively the two methodologies of Historicism and traditionalism for studying Islamic era art with an emphasis on architectural elements and decorations of Soltanieh dome. Traditionalism is a well-known method to study Islamic art. It relies on transhistorical and mystical facts to understand the meanings in Islamic era art. Historicism suggests that to understand the meaning of Islamic architecture (and Soltanieh dome, in particular), the architecture should be studied in various (locational, Historical, Situational, Social and Political) contexts. The main objective of this study is to compare the feasibility of the two methods to study the Soltanieh dome. After critical analysis of traditionalist studies of Soltanieh dome, it is studied using Historical approaches. The results indicate the lack of feasibility for the traditionalism to study the Soltanieh dome. Historicism criticizes the traditionalists' inattention to the contexts influencing the formation of Soltanieh dome meanings and generalization of religious concepts within a historical complex. Historicism considers Soltanieh arg and dome as the instances of political, religious and economic pillars of power which are structured in a syntagmatic manner and reflect the outline of the power structure and network.

***Corresponding Author:** Farzad feyzi

Address: University of Mohaqeq Ardabili, Ardabil,
Iran

Email: farzadfezyi92@gmail.com

Tel: 09190842830



نوع مقاله: پژوهشی

سنت‌گرایی و تاریخی‌نگری؛ مطالعه تطبیقی دو روش‌شناسی فوق در هنر دوران اسلامی با تأکید بر معانی معماری و تزئینات گنبد سلطانیه

فرزاد فیضی^{*۱}، اردشیر جوانمردزاده^۲ ^۱ دانش‌آموخته دکتری باستان شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایرانایمیل: farzadfezyi92@gmail.com^۲ دانشیار گروه آموزشی باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم اجتماعیایمیل: ardeshir.javanmard@gmail.com

10.22080/JIAR.2023.24043.1032

چکیده

استفاده از روش‌شناسی‌های مختلف در مطالعه هنر دوران اسلامی نتایج ضدونقیضی حاصل کرده است. با اینکه مطالعات نظری زیادی در این زمینه صورت گرفته، اما مطالعات به صورت تک‌نگاری کم بوده است. این پژوهش در پی مطالعه تطبیقی دو روش‌شناسی سنت‌گرایی و تاریخی‌نگری در مطالعه هنر دوران اسلامی، با محوریت قرار دادن عناصر معماری و تزئینات گنبد سلطانیه است. سنت‌گرایی روشی شناخته‌شده در مطالعه هنر اسلامی است که با اتکا بر حقایق فراتاریخی و عرفانی سعی در فهم معانی موجود در هنر دوران اسلامی می‌کند. تاریخی‌نگری فهم و رسیدن به معنای آثار معماری اسلامی به طور اعم و گنبد سلطانیه را به‌طور اخص در چهارچوب مطالعه اثر در قالب بافت‌های (تاریخی، مکانی، اجتماعی و سیاسی) مختلف می‌داند و معتقد است معانی آثار از سطوح لایه‌ای مختلفی تشکیل شده است. سؤال اصلی پژوهش مقایسه میزان توجیه‌پذیری دو روش در مطالعه گنبد سلطانیه است. این پژوهش پس از تحلیل انتقادی مطالعات سنت‌گرایی پیرامون گنبد سلطانیه به تحلیل آن با استفاده از مبانی تاریخی‌نگری می‌پردازد. نتایج نشان‌دهنده عدم کفایت روش‌شناسی سنت‌گرایی در بنای شاهانه سلطانیه است؛ روش تاریخی‌نگری با انتقاد از عدم توجه سنت‌گراها به بافت‌ها و نیروهای مختلف مؤثر در شکل‌گیری معانی سلطانیه و تعمیم مفاهیم کلی دینی در مجموعه‌ای تاریخی، ارگ و گنبد سلطانیه را مصادیق ارکان اصلی قدرت - سیاسی، مذهبی، اقتصادی - می‌داند که در یک نظام ساختاری هم‌نشین شده‌اند و کلیت ساختار و شبکه قدرت را بازمی‌تابانند.

دریافت:

۱۴۰۴/۰۱/۱۰

بازنگری:

۱۴۰۴/۰۲/۱۷

پذیرش:

۱۴۰۴/۰۶/۱۴

کلیدواژه‌ها:

هنر دوران اسلامی؛
روش‌شناسی؛ تاریخی‌نگری؛
سنت‌گرایی؛ گنبد سلطانیه.

^{*} نویسنده مسئول: فرزاد فیضی

آدرس: دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

ایمیل: farzadfezyi92@gmail.com

تلفن: ۰۹۱۹۰۸۴۲۸۳۰



۱ مقدمه

در مطالعه هنر دوران اسلامی از روش‌ها (Method) و رهیافت‌های (Approach) گوناگونی در تحلیل و تفسیر آثار استفاده می‌شود. روش‌شناسی مطالعه هنر در دوران اسلامی به‌طور کلی به دو دسته تاریخی و فراتاریخی تقسیم می‌شود (موسوی گیلانی، ۱۳۹۵: ۶۳ - ۹۳). تاریخی‌نگرها مانند ایروین، اتینگهاوزن، گرابار و آندره گدار به جای تأکید انحصاری بر اعتقادات دینی بر عوامل مختلفی از قبیل جغرافیا، فرهنگ، سیاست و تأثیر از هنر تمدن‌های دیگر اصرار می‌ورزند (ایروین، ۱۳۸۹: ۹۰؛ هاورز، ۱۳۸۲: ۱۴۹) و معتقدند هنر در سرزمین‌های مختلف در اشکال گوناگون و متناسب با شرایط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اقلیمی آن منطقه شکل گرفته است. (هیلن براند، ۱۳۹۱: ۹۲-۹۱). در مقابل پیروان مکتب فراتاریخی از قبیل «سنت‌گرایی»^۱ بر حقایق فرازمانی و فرامکانی اسلام تأکید کرده (سلمانی و چتر بحر، ۱۳۹۵: ۱۷۷) و آثار هنری را بازتاب این حقایق تلقی می‌کنند (نصر، ۱۳۸۳: ۱۱۶؛ شووان، ۱۳۷۶: ۸۹-۱۲۷). بورک‌هات و سید حسن نصر از جمله ایشان هستند. بهره‌گیری از روش‌شناسی‌های گوناگون در مطالعه هنر دوران اسلامی، نتایج ناهمگونی را حاصل کرده که بررسی، تحلیل و تطبیق آن‌ها را به‌صورت مطالعات تک‌نگاری^۲ ضروری کرده است. ازاین‌رو پژوهش حاضر بر آن است که با اشاره به دو دیدگاه نظری انتخاب شده در مطالعه هنر (دوران) اسلامی، به صورت مصداقی به مطالعه معانی گنبد و ارگ سلطانیه در دوره ایلخانی بپردازد و پس از پرداختن به نتایج حاصل‌شده توسط هر دو دیدگاه به تبیین و مقایسه هر دو بپردازد تا فهمی روشن از این دو رویکرد در برخورد با یک موضوع مصداقی در هنر دوران اسلامی به دست آید.

اکثر مطالعات در رابطه با معانی معماری و به‌ویژه تزئینات گنبد سلطانیه با اتکا به دیدگاه‌های سنت‌گرایی و عرفانی بوده است. ازاین‌رو مسأله و هدف اصلی پژوهش ارزیابی دیدگاه سنت‌گرایان در مورد گنبد سلطانیه و تطبیق با مفاهیم و معناهای حاصل‌شده تاریخی‌نگری^۳ پیرامون گنبد سلطانیه در پژوهش حاضر و در نتیجه میزان توجیه‌پذیری دو رویکرد مذکور است. فرض اولیه نگارندگان این است که استفاده از روش سنت‌گرایی و عرفانی در معماری و تزئینات گنبد سلطانیه تمامی مفاهیم و جوانب آن را روشن نکرده و استفاده از روش تاریخی‌نگری می‌تواند پارادایم‌های گسترده‌تری را در مطالعه معانی گنبد سلطانیه درگیر نماید. نویسندگان به دنبال پاسخ به سؤالات زیر می‌باشند: ۱. معانی مستخرج از معماری و تزئینات گنبد سلطانیه، طبق دو دیدگاه تاریخی‌نگری و سنت‌گرایی کدام‌ها هستند؟ و چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟ ۲. با استفاده از کدام روش می‌توان خوانش دقیق‌تری از بنای شاهانه سلطانیه انجام داد و دلایل آن چیست؟

۱/۱ روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی - تحلیلی و انتقادی به ارزیابی روش‌شناسی سنت‌گرایی پیرامون گنبد سلطانیه پرداخته و سپس با به‌کارگیری اصول تاریخی‌نگری، سعی در استخراج معانی و مفاهیم لایه‌های مختلف در گنبد سلطانیه خواهد داشت. در انتها نتایج به‌دست‌آمده را مورد تطبیق قرار داده تا زوایای پنهان و نقاط ضعف و قوت روش‌شناسی‌های مورد مطالعه را در موضوع گنبد سلطانیه تبیین نماید.

۱/۲ پیشینه پژوهش

با وجود مباحث زیاد در باب ماهیت هنر دوران اسلامی، تحلیل و بررسی آثار هنری دوره‌های



معماری و تزئینات گنبد سلطانیه را مورد بررسی قرار داده (سیاکوهیان، ۱۳۹۱) و یا با اتکا بر جایگاه نمادین رنگ‌ها، فرم‌ها و اعداد در اندیشه اسلامی سعی در تطبیق این مفاهیم با تزئینات گنبد سلطانیه داشته‌اند (اکبری‌ان، ۱۳۹۳).

۲ مبانی نظری

روش‌شناسی هنر در دوران اسلامی به دو دسته کلی تاریخی (تاریخ‌مندی) و فراتاریخی تقسیم می‌شود (موسوی گیلانی، ۱۳۹۵: ۵۲). ارائه فرضیه بر اساس شواهد تاریخی، در نظر گرفتن واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، زیست‌محیطی (کاظمی و موسوی گیلانی، ۱۳۹۸: ۹۴)، مقایسه علل مختلف برای رسیدن به نظریه‌ای منضبط (گرابار، ۱۳۸۸: ۱۱) و عدم اعتقاد به حقایق فراتاریخی (نه تأثیرات دینی) (آلن، ۱۳۸۵: ۵۸) از مبانی روش‌شناسی تاریخی در هنر اسلامی می‌باشد. این شیوه بر اساس بی‌اعتنایی بر حقایق فرازمانی و فرامکانی مطلق شکل گرفته است و معتقد است همه پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی، هنری و ... به صورت تاریخی و زمانمند به مجموعه عناصر مختلف زمان خود وابسته است (موسوی و یحیایی، ۱۳۸۹: ۱۹۶). هنرمند همیشه در شرایط تاریخی ویژه‌ای محدود است و هر چقدر هم تلاش کند نمی‌تواند پا را از مرزهای دوران خویش فراتر بگذارد و همیشه تحت تأثیر اپیستمه زمان خود است (هاورز، ۱۳۸۲: ۱۴۹). فیلسوفان ایده‌آل‌گرای آلمانی همانند هگل و هدر در بسط نگاه تاریخی‌نگری بسیار مؤثر بوده‌اند. از نظر هگل عمیق‌ترین اندیشه‌ها نیز توان گذر از دیوارهای زمانه خویش را ندارند (Hegel, 2001: 95). در میان مورخان و پژوهشگران هنر دوران اسلامی افرادی چون الگ گرابار، آندره گدار، تری آلن، هیلن براند و ... نگاهی تاریخی‌نگرانه به هنر این دوران دارند و به دنبال تأثیرات هنرهای سایر تمدن‌ها در هنر دوران اسلامی هستند.

مختلف با تکیه بر یکی از روش‌شناسی‌های موجود به صورت مصداقی و تک‌نگاری شدیداً با کاستی روبه‌رو است. نویسنده کتاب «درآمدی بر روش‌شناسی هنر اسلامی» دیدگاه‌های مختلف پیرامون روش‌شناسی هنر اسلامی را بررسی کرده و با بیان اینکه اکثر محققان تاریخ و هنر جهان اسلام غربی‌ها بودند، تا حدودی روش‌شناسی سنت‌گرایی را به دیگر روش‌ها ترجیح داده است. (موسوی گیلانی، ۱۳۹۵). وی همچنین در مقاله‌ای دیدگاه‌های پیروان مکتب سنت‌گرایی و تاریخی‌نگری را با تکیه بر آرای کیت کریچلوف^۴ و گل‌رو نجیب اوغلو مقایسه کرده و انتقادهای نجیب اوغلو نسبت به مکتب سنت‌گرایی را مورد مذاقه قرار داده است (کاظمی و موسوی گیلانی، ۱۳۹۸). نویسندگان مقاله «روش‌شناسی تطبیقی مطالعه هنر اسلامی (با تأکید بر نمونه موردی محراب» علاوه بر تطبیق آرای دو مکتب مذکور، دیدگاه‌های هر یک را در مورد محراب ارزیابی کرده و با ترجیح روش ترکیبی بیان داشته‌اند که استناد به مبانی هر کدام از روش‌ها و چشم‌پوشی از دیگری موجب برخورد یک‌سونگرانه‌ای با عنصر مذهبی محراب در دوران اسلامی خواهد شد (سلمانی و چتر بحر، ۱۳۹۵).

تا به حال پژوهشی که به صورت روش‌شناسی تطبیقی و با رویکردهای معناشناسی و یا جامعه‌شناسی هنر به معماری و تزئینات گنبد سلطانیه بپردازد، صورت نگرفته است. اکثر تحقیقات انجام‌شده در مورد ارگ و گنبد سلطانیه به معماری و سازه‌ی گنبد (ویلبر، ۱۳۶۵؛ ثبوتی، ۱۳۶۹) و معرفی و گونه‌شناسی آرایه‌ها و تزئینات مختلف گچی و آجرکاری آن اختصاص یافته و به جز در برخی موارد در نتیجه‌گیری‌های خود غالباً پیرو روش‌شناسی‌های فراتاریخی بوده‌اند (شکفته و صالحی کاخکی، ۱۳۹۳؛ حمزه‌لو، ۱۳۸۱؛ گدار، ۱۳۸۷). برخی هم مستقیماً با گزینش دیدگاه عرفانی تأثیر عرفان بر



شکل قرار داشتند. (کیانی، ۱۳۸۹: ۷۲). خود گنبد سلطانیه که از سال ۷۰۴ تا ۷۱۳ ه.ق در زمان اولجایتو تکمیل شد (حمدالله مستوفی، ۱۳۳۶: ۶۰۷؛ حمزelo، ۱۳۸۱: ۶۰)، به صورت هشت ضلعی ساخته شده، دارای هشت مناره و متشکل از سه بخش گنبدخانه، تربتخانه و سردابه است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۶ - ۲۹). جزئیات فنی به کاررفته در مجموعه‌های معماری تبریز در گنبد سلطانیه به اوج ترقی خود رسیده (آیتی، ۱۳۸۳: ۲۵۴) و تزئینات گچ‌بری، کاشی‌کاری و نقاشی تقریباً در تمامی قسمت‌های بنا وجود دارد (ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۷-۲۸). پس از معرفی کلی قسمت‌های مختلف ارگ و گنبد، در ادامه به دنبال لایه‌های مختلف معانی موجود در آن در دوره ایلخانان خواهیم بود و در این راه از دو روش‌شناسی موجود مدد خواهیم جست.

۳/۱ معانی گنبد سلطانیه از منظر

سنت‌گرایی

تزئینات گنبد سلطانیه مصادیقی از عالم قدس

و سنت الهی

از نظر سنت‌گراها هنر اسلامی بیش از هر چیز تجلی وحدت الهی در جمال و نظم عالم بوده (بورکھات، ۱۳۶۹: ۱۲) و تجربه‌ای زیباشناختی از وحدت و کثرت‌های جهان است (رهنورد، ۱۳۷۴: ۲۹). آیات به کاررفته در گنبد سلطانیه شامل آیات قرانی و نبوی و اسامی حضرت علی(ع) را می‌توان با مسأله ذکر و تسبیح خداوند و اشاره به عالم وحیانی و همچنین به عنوان یکی از مسائل اصلی تصوف و عرفان در ارتباط دانست (سیاه‌کوهیان، ۱۳۹۱: ۵۳). از نظر برخی تاریخی‌نگرها هرچند امکان دارد این احکام در برخی موارد صحیح باشد، اما سنت‌گراها با نسبت دادن معانی اعتقادی به تزئینات و نقوش مختلف معماری اسلامی و بدون ذکر شواهد تاریخی، مانع از شناخت تزئین در هنر دوران اسلامی و سازوکار

سنت‌گراها در مطالعه هنر دوران اسلامی رویکردی فراتاریخی دارند؛ به اعتقاد پیروان این مکتب معماری مساجد و گنبدها و تزئینات اسلیمی، نگارگری، نقاشی و ... مصادیقی از عالم قداست، وحدت در کثرت و مولود آمیزش هنر با عرفان و عواطف دینی است (سلیمانیان، ۱۳۸۸: ۶۷). بنا به نظر سنت‌گرایان، تحلیل تاریخی، بخش کوچکی از حقایق هنری را بیان می‌دارد و از تفسیر ذات هنر اسلامی عاجز است. چون از منظر پیروان این نگرش ریشه و منشأ هنر اسلامی را باید در درون دین اسلام کاوید. بدین ترتیب سنت دینی دارای عناصری بدون زمان و مکان بوده و از عرصه تاریخی‌نگری بیرون است (موسوی گیلانی، ۱۳۹۵: ۸۹). هنر دینی مانند هنر اسلامی، همواره شامل عاملی جاویدان و ابدی می‌باشد و قابلیت تکرار در هر دوره‌ای را دارد و همواره از حکمت سرچشمه می‌گیرد (بورکھات، ۱۳۷۶: ۶۶).

۳ معرفی کلی گنبد سلطانیه

برخورداری از آب‌وهوای استپی (ثبوتی، ۱۳۶۹: ۳۰)، امکان بالقوه برای دسترسی به راه‌های مواصلاتی (نوربخش، ۱۳۶۴: ۹۲) و نزدیکی به عراق عجم (بیانی، ۱۳۹۷: ۴۵۸) را از دلایل احداث شهر سلطانیه و انتخاب به عنوان پایتختی ذکر کرده‌اند. طبق گفته میرخواند، ابتدا ارغون خان قصد داشته در مرغزار شرویاز (سلطانیه) شهری بنا سازد ولی در آغاز کار از دنیا رفت (میرخواند، ۱۳۸۰، جلد ۵: ۴۱۶۸). در بهار ۷۰۴ ه.ق الجایتو، عمارتی را که در مکانی به نام قنقرآلنگ، پدر او بنیان نهاده و اکنون ناتمام بود، تمام کرد و آن را سلطانیه نامید. (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۵۵؛ حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۶۹). طرح کلی شهر شامل بناهای متعدد مذهبی و غیرمذهبی مانند مسجد، مدرسه، بازار، کاروان‌سرا، کاخ، بیمارستان (دارالشفا)، خانه‌های مسکونی و برج و بارو بود که در حصار مربع



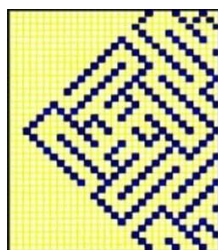
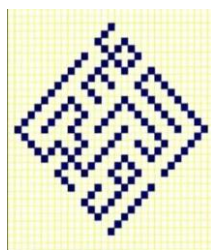
کتیبه‌ها و نگاره‌های گنبد سلطانیه حاوی مفهوم اتحاد بین شریعت، طریقت و حقیقت در عرفان و تصوف اسلامی

مطالعات با رویکرد سنت‌گرایی و عرفانی نوشته‌هایی از قبیل «محمد»، «علی»، «لا اله الا الله الواحد» و عبارات «محمد رسول الله الصادق» و «علی ولی الله وصی رسول الله» را که در کنار هم و در داخل مثلث‌هایی در بعضی قسمت‌های گنبد و برخی کتیبه‌ها به چشم می‌خورد، ناظر بر اتحاد و مطابقت شریعت، طریقت و حقیقت در عرفان اسلامی می‌دانند (سیاه کوهیان، ۱۳۹۱: ۵۸). (شکل ۱). از نظر تاریخی نگرها داوری در این زمینه بدون در نظر گرفتن مستندات تاریخی و اوضاع سیاسی و اجتماعی آن عصر هر گونه نتیجه‌گیری را ناقص کرده (سلمانی و چترجر، ۱۳۹۴: ۱۷۷) و بدون در نظر گرفتن بافت زمانی، موقعیتی و فرهنگی، مطالعه پدیده از روش‌شناسی علمی برخوردار نخواهد بود.

آن در معماری اسلامی شده‌اند. تعمیم‌های ایشان مبتنی بر طبقه‌بندی‌های مفهومی بوده که از متون دینی و عرفانی گرفته شده است (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۱۰۹-۱۰۷).

مفهوم عرفانی ولایت در کتیبه‌ها

در سقف ایوان جنوب شرقی گنبد، در وسط یک هشت‌ضلعی یک ستاره قرار دارد که درون آن کلمه «الله» آمده است. اضلاع این ستاره از هشت کلمه «محمد» به خط کوفی تشکیل شده است، تصویر ستاره را به عنوان بیانگر مفهوم روشنایی و زیبایی، می‌توان از نظر عرفانی نمادی از ولایت و ارشاد دانست (صحراگرد، ۱۳۹۲: ۳۸-۴۱؛ ثبوتی، ۱۳۸۰: ۲۱۷). از نظر تاریخی نگرها نسبت دادن مفاهیم عام به امر ولایت بدون در نظر گرفتن شرایط زمان، مکان و سازوکارهای فرهنگی موجب بی‌اعتباری این روش می‌شود (کاظمی و موسوی گیلانی، ۱۳۹۸: ۱۰۲). از نظر تاریخی‌نگری نیز آثار مختلف سطوح معنایی چندلایه‌ای دارند و پس از توصیف و دریافت معنای ابتدایی محقق باید تأثیر نیروهای مختلف در اثر را تفکیک نماید.



شکل شماره یک- نمونه‌هایی از کتیبه‌های گنبد سلطانیه: از راست به چپ: تزئینات کتیبه‌ای «الله» در ایوان جنوب غربی، تزئینات نمای شرقی شامل «محمد» ۳ بار و «علی» ۲ بار، کتیبه‌ی معقلی «علی» در ورودی شمال غربی، کتیبه‌ی معقلی «اولجایتو خان» در ورودی جنوب شرقی (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱).



تناسبات کالبد و تزئینات گنبد سلطانی

مفهومی از عدالت

تعالد بصری ایجادشده توسط معماران میان گنبد و مناره‌های عمودی و هشتگانه را می‌توان ترفند هوشمندانه معماران مسلمان برای القای مفاهیم توازن، تعادل و عدالت دانست (فغفوری و بلخاری قهی، ۱۳۹۴: ۱۰). طبقات سه‌گانه بنا، علیرغم پیچیدگی، با منطقی‌ترین و متناسب‌ترین روش با یکدیگر در ارتباطاند. گزینه‌سازی نیز باوجود برخی انحرافات در سطوح گنبد به تعادل و توازن رسیده است (ثبوتی، ۱۳۸۰: ۷۳). طبق نظر تاریخی‌نگرها، معماری زنجیری به‌هم‌پیوسته از مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دوران خود است و بانیان، ناظران، معماران و عرف و شرع هر یک به گونه‌ای در خلق اثر تأثیرگذار هستند (جمال‌الدین و صالحی کاخی، ۱۳۹۶: ۵۷). طبق اکثر منابع این دوره معماران جزو طبقه متوسط و پایین‌تر از متوسط بوده‌اند (آملی، ۱۳۸۱ ج ۲: ۳۹۸؛ نجوانی، ۱۳۵۵: ج ۱: ۲) و قطعاً در بنای شاهانه‌ای چون گنبد سلطانیه خواست و میل حامی و به‌خصوص شخص ایلخان و نه معماران نتیجه و شکل نهایی را مشخص می‌کرده است. همچنین در مطالعه مناره‌های هشت‌گانه باید دیوارهای بزرگ و ضخیم و لزوم ایجاد سازوکارهایی برای عدم فرو ریختن آن را نیز مد نظر قرار داد؛ اما سنت‌گراها هیچ‌گونه مدرکی از منابع دست اول در ارتباط با روش‌های اعمال هندسه در مجموعه‌های معماری و به صورت اخص گنبد سلطانیه ارائه نکرده‌اند.

پدیداری معانی عرفانی در قالب کاشی

معرق

پیروان دیدگاه سنت‌گرایی و عرفانی استفاده از کاشی‌های معرق آبی‌رنگ در قسمت‌های مختلف گنبد سلطانیه را نتیجه شروع تفکر عرفانی در قرن ششم و هفتم هجری و خصوصاً اندیشه‌های مبتنی بر نور و امتزاج با عقاید عرفانی، شیعی و

اشراقی می‌دانند. این رنگ بر ویژگی‌های تشبیهی و جمالی ساختمان می‌افزاید و این زیبایی آفریده‌شده، انسان را به یاد عظمت و درگاه خدا می‌اندازد (حمزه‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۱۸؛ مرادی‌نسب و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۰). نویسندگانی چون اقبال نسبت دادن صرف کاشی‌کاری معرق به عرفان در این قرن را رد می‌کنند و اعتقاد دارند باید در مطالعه علل استقبال از رنگ آبی در معماری این دوره عادت مغولان در تزئین یورت‌ها را نیز مدنظر قرار داد (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۹: ۵۶۵). گرابار نیز با اشاره به ترکیب خاص مناره‌های اطراف گنبد، این بنا را در حالت کلی بدوی و درعین‌حال شگفت‌انگیز می‌داند که در عین پذیرش از سنن مختلف دارای نیروهای مغولی نیز هست (گرابار و اتینگهاوزن، ۱۳۹۰: ۱۴۲). گروهی نیز استفاده گسترده از رنگ آبی در معماری این دوره و سلطانیه را رشد و گسترش تصوف در اثر همخوانی با شمنیسم باوری حاکمان و استحاله عقاید شمنی در عقاید دوره مسلمانان ایلخانان مغولی قلمداد کرده‌اند (میری‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۴). با این حال می‌دانیم که استفاده از کاشی‌های معرق در دوره‌های قبلی و از جمله گنبد سرخ مراغه مربوط به دوره سلجوقی نیز کاربرد داشته و نباید در نتیجه‌گیری نهایی سهم شیوه‌ها و فنون گذشته را از نظر دور داشت.

باغ، بوستان و فضای سبز اطراف مقبره

تداعی بخش بهشت

از نظر دیدگاه سنت‌گرایی و عرفانی ساخت باغ و کوشک در دوره اسلامی به طور کل و ارگ سلطانیه به طور جزء می‌تواند ترسیمی از بهشت برین در این دنیا باشد. به نظر ایشان همه عناصر و نقش‌مایه‌های هنری از جمله باغ، چشمه، حوض، کاشی‌ها، رنگ‌ها و اعداد با تأثیر از اندیشه‌های دینی و قرآنی وارد آثار هنری مسلمانان شده است و باغ اسلامی رمز و تمثیلی از بهشت زمینی و وطن آسمانی است (استرلین،



۱۳۹۹؛ ۱۶۱-۱۶۰). در مقابل برخی از نویسندگان باغ‌ها و کوشک‌های مغول‌ها را بیانگر زندگی آرمانی اشراف و شاهان و جزئی از نوع زندگی لذت‌جویانه صحرانشینان می‌دانند و با تعبیر باغ به بهشت و فردوس مخالف هستند (گرابار، ۱۳۸۴: ۱۲۹-۱۳۲). همچنین باید در نظر داشت که باغ از زمان هخامنشی در ایران شناخته شده است، باغ‌ها از زمان باستان با اهداف سیاسی، حکومتی، مذهبی، تفریحی و ... در اطراف کاخ‌های حکومتی برپا می‌گشته‌اند و جنبه مشروعیت‌بخشی داشته‌اند (بریان، ۱۳۸۱: ۳۵۶؛ متدین، ۱۳۸۹: ۵۵).

۳/۲ معانی گنبد سلطانیه از منظر تاریخی‌نگری؛

نحوه روابط ارکان اصلی قدرت با مجموعه‌های معماری دوره ایلخانی

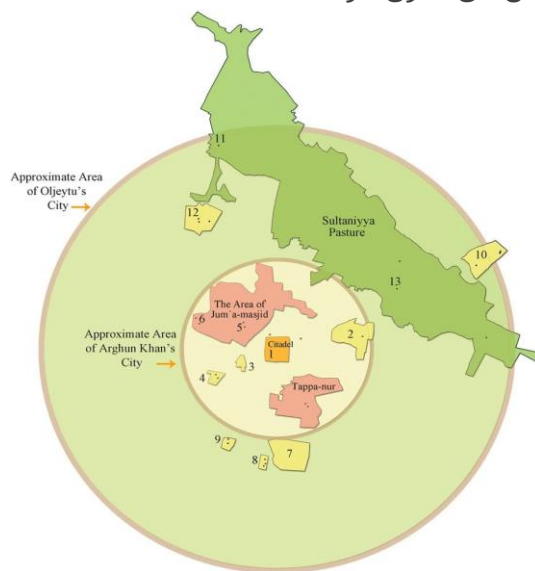
اگر قدرت سیاسی، قدرت مذهبی و قدرت اقتصادی را به‌عنوان اصلی‌ترین ارکان سازمان‌دهنده حکومت‌ها در نظر بگیریم، شاهد پیوند مقوله‌های زیر در شهرها و مجموعه‌های معماری زمان ایلخانی خواهیم بود. از مصادیق پیوند دین با سیاست در مجموعه وقفی شنب‌غازان می‌توان به نظام وقف (امری مذهبی) و حمایت دولت از آن (امری سیاسی) اشاره کرد (کریمیان و مهدی زاده، ۱۳۹۶: ۱۶۵-۱۵۵). در اینجا قرار گرفتن عناصر ۱۲ گانه شنب چون مسجد جامع، مدارس با مذاهب شافعی و حنفی، بیت‌القانون و ... به عنوان نظام‌های نشانه‌ای و قرار گرفتن آرامگاه سلطان در مرکز به عنوان مهم‌ترین نظام، مصداقی از پیوند قدرت سیاسی و مذهب بوده که غازان خان با نهایت تدبیر سعی در به انحصار درآوردن آن‌ها در دستگاه دولت و شخص خود داشت. ربع رشیدی نمونه‌ی بارزی از پیوند وقف به عنوان امری مذهبی و شهرسازی است. این مجموعه با جمع‌آوری دانشمندان و امکانات علمی

و آموزشی در ربع رشیدی به نماد و مظهری از پایگاه علمی امپراتوری تبدیل می‌شود و در نشانگی عنصر مذهب و فرهنگ از شنب‌غازان پیشی می‌گیرد. ارگ علیشاه بین سال‌های ۷۱۶ تا ۷۲۴ ه.ق به وسیله تاج‌الدین علیشاه وزیر اولجایتو و ابوسعید بهادرخان ساخته شد (خیری و صدراپی، ۱۳۸۱: ۲۹-۲۵). شکوه زیاد مجموعه قطعاً به این دلیل بوده که در مرکز شهر و در مجاورت راسته اصلی بازار و مسجد جامع شهر ساخته شده و در معرض دید عموم و در بطن تحرکات اجتماعی و اقتصادی شهر بوده است (ابن بطوطه، ۱۳۵۹: ۲۳۳). درواقع تاج‌الدین علیشاه با متمرکز کردن و همنشینی عناصر اصلی؛ مسجد و خانقاه (قدرت مذهبی)، بناهای حکومتی و کاخ‌ها (قدرت سیاسی) و بازارها (قدرت اقتصادی) در ارگ علیشاه سعی در کمرنگ کردن عملکرد درخشان خواجه رشیدالدین و کسب مقبولیت و مشروعیت در نزد سلطان و مردم را داشته است که با مرگ وی اقدامات او نیز ناتمام باقی ماند. مجاورت مصادیق قدرت سیاسی با قدرت مذهبی و اقتصادی در خود ارگ علیشاه به صورت کامل اتفاق نیفتاده، بلکه با مصادیقی در سطح بزرگ‌تر و شهر تبریز همنشین شده و کلیت ساختار قدرت را نمایش داده است؛ بدین‌صورت که ارگ علیشاه با تأسیس در مجاورت مسجد جامع و راسته اصلی بازار شهر وارد این رابطه معنایی شده است (فیضی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۷ - ۱۰۸). هرچند خود مجموعه ارگ علیشاه نیز در سطحی خردتر از بخش‌هایی نظیر مسجد، مدرسه و احتمالاً بازار تشکیل یافته بوده است، اما پیوند واقعی ارکان سازمان‌دهنده حکومت به معنی واقعی در ارگ سلطانیه رخ داده است.

۳،۳ گنبد سلطانیه و پیوند تمام ارکان اصلی قدرت (سیاسی، مذهبی، اقتصادی)

پس از احداث سلطانیه در سال ۷۰۴ ه.ق (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۵۵؛ حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۶۹)، این شهر به سرعت راه‌های تجاری را به سوی خود جلب کرد و به عنوان مرکزیت حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفت (رضوی، ۱۳۹۰: ۱۷۸). موقعیت صنعتی و تجاری شهر از توصیفات تاریخ وصاف در مورد کارخانه فردوس، مدرسه غیاثیه، قصرهای بزرگان، خانقاه چلبی‌اوغلو، محلات پرجمعیت و ... مشخص می‌شود (وصاف، ۱۳۳۸: ۵۴۳-۵۴۴). بررسی‌های باستان‌شناسی در منطقه خرمدره و ابهر ۵۹ محوطه ایلخانی را شناسایی کرده که نشان از گسترش فضاهای شهری و استقرارهای حومه‌ای در حریم شهر سلطانیه دارد (عالی، ۱۳۸۴). ارگ سلطنتی، محلات شهری و بخش‌های اداری در

اطراف گنبد در کاوش‌های باستان‌شناسی مشخص شده است (ثبوتی، ۱۳۶۹: ۹۷). مدارس شیعی سلطانیه شهرت خاصی داشته است؛ به‌طوری‌که علامه حلی با دعوت سلطان اولجایتو در سلطانیه حضور یافت و با حضور وی مناظره‌ها و مباحثه‌های علمی مختلفی بین علمای فرقه‌های مذهبی در حضور سلطان مخصوصاً در مدرسه غیاثیه سلطانیه برگزار گردید (کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۰۰-۱۰۸). سلطان اولجایتو و نظریه‌پردازان این عصر با تأسیس مدارس شیعی، خانقاه چلبی‌اوغلو، تزئین گنبد سلطانیه با اسامی ائمه شیعه و ... سعی در رقابت با شهرهای عراق از قبیل حله، نجف و ... در تصاحب مرکزیت و نشانگی^۵ عنصر شیعی کرده و تلاش برای انتقال مقابر امامان شیعه به سلطانیه در این راستا بوده است (شکل ۲).

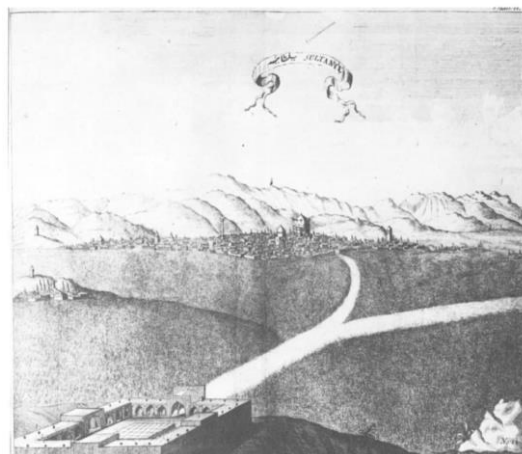


شکل شماره دو- منطقه سلطانیه در زمان ارغون خان و اولجایتو (۱. مقبره اولجایتو، ۲. محل فنجان آباد، ۳. اراضی میدان، ۴. مقبره و خانقاه شیخ براق، ۵. قبرستان، ۶. حرم امامزاده عبدالله، ۷. بقایای کوره‌ها، ۸. مقبره ملاحسن کاشی، ۹. قوشخانه، ۱۰. کاروان‌سرا، ۱۱. اوج تپه، ۱۲. تپه قلعه، ۱۳. دشت مصطفی خان) (منبع: Hatef (Naiemi, 2020: 16



محسوب می‌شود که با تأسیس چلبی‌اوغلو این پیوند به اوج خود می‌رسد. با تغییر مسیر شاهراه‌های تجاری، اولجایتو سه رکن اصلی حکومت (قدرت سیاسی، مذهبی و اقتصادی) در تحقیق حاضر را در شهر جدید خود متمرکز می‌کند و موقعیت و جایگاه شهر تبریز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نوعی با تعمیر و تغییر مسیر شاهراه‌ها و به موازات حمل‌ونقل کالاها در مسیرهای تجاری، مفاهیم مزبور نیز در حال سیر و جریان بودند (شکل ۳).

همان‌گونه که گفته شد، ربع رشیدی مصداق پیوند سیاست و مذهب و ربع رشیدی به‌تنهایی نماد عنصر مذهب بوهاند؛ اما همهٔ ارکان اصلی قدرت - سیاسی، مذهبی، اقتصادی - در یک نظام ساختاری در زمان سلطان اولجایتو و در مجموعه‌های معماری ارگ سلطانی و علیشاه هم‌نشین شده‌اند و کلیت ساختار و شبکهٔ قدرت را بازمی‌تابانند. با این اوصاف سلطانیه تمامی عناصر نشانه‌ای و مصادیق ارکان اصلی حکومت اعم از قدرت سیاسی، مذهبی و اقتصادی را دارا می‌باشد. ایجاد مدارس با اهداف تبلیغ مذهب شیعه و حضور علامه حلی، علاوه بر ترویج این مذهب، تبلیغ حاکمیت توسط دولت‌مردان نیز



شکل شماره سه- طرح شاردن از سلطانیه و راه‌های منتهی به آن (منبع: Chardin, 1686)

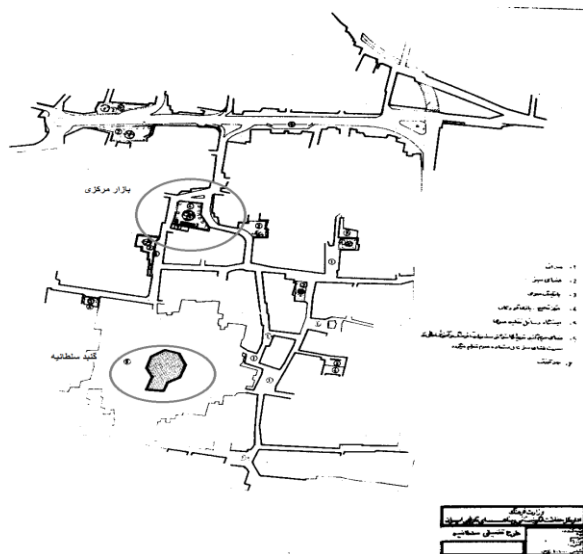
و داده‌های باقی‌مانده از دورهٔ ایلخانی از قبیل سکه‌ها و معماری متوجه تطبیق کامل مفاهیم آن‌ها با تقسیم‌بندی فوق می‌شویم (فیضی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۶). در زمینهٔ معماری می‌توان بازسازی‌های خبوشان (قوچان) توسط هلاکو (جونی، ۱۳۷۰: ج ۳: ۱۰۵) و تجدید بناها و سیستم‌های آبرسانی بغداد (لین، ۱۳۹۰: ۲۸۹) را نمونه‌هایی از تلاش‌ها در جهت انطباق با قواعد مستقر در ایران - سطح اول مشروعیت - دانست. ساخت معابد مختلف بودائی و کلیساهای

معمولاً ابعاد مختلف مشروعیت قدرت چندین مرحله در نظر گرفته می‌شود. دیوید بیتهم با در نظر داشتن مراحل فوق، به‌ویژه تقسیم‌بندی ماکس وبر از قدرت، سه بعد و مرحله برای مشروعیت قدرت قائل می‌شود که در اکثر جوامع و حکومت‌ها ظهور کرده است؛ ۱. سازگاری و انطباق با قواعد مستقر. ۲. توجیه قواعد از طریق مراجعه به باورهای مشترک فرادست و فرودست. ۳. بروز شواهد و مدارک از رضایت تابعان (بیتهم، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۱). با بررسی مدارک

به منظور نمایش قدرت و مشروعیت در بین سایر ملل مسلمان و دولت‌های اروپایی در شهر تجاری و سوق‌الجیشی سلطانیه بوده است.

با کمک تصاویر زیر همنشینی مصادیق ارکان اصلی حکومت یعنی گنبد سلطانیه با نمادها و مضامین شیعی، خانقاه چلبی اوغلو به عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های عرفان در دوره ایلخانی، ارگ شاهی، مسجد جامع، بازار و راه‌های تجاری داخلی و خارجی (شکل ۴ و ۵) که با تغییر مسیرهای صورت گرفته در این زمان به شهر سلطانیه و مرکز آن ختم می‌شوند، قابل بازنمایی می‌باشد.

مسیحی در کنار مساجد اسلامی (صفا، ۱۳۵۵، ج ۳: ۱۱۰؛ اشپولر، ۱۳۹۷: ۱۸۷) در دوران قبل از مسلمانی غازان مصادیق ضعف مشروعیت و فقدان اعتقادات مشترک طی سطح دوم مشروعیت قدرت و شروع ساخت‌وسازهای مجموعه‌های معماری با حمایت نظام وقف از جمله شنب‌غازان، ربع رشیدی، ارگ علیشاه و مجموعه سلطانیه، سومین و آخرین سطح از مشروع‌سازی قدرت خوانین مغولی را در ایران در نظر گرفت. در مرحله آخر نه صرفاً مشروعیت در سطح ایران بلکه در سطحی بزرگ‌تر و مشروعیت در جهان اسلام مد نظر بوده است. می‌توان گفت در این مرحله مجموعه‌های معماری و به‌طور خاص گنبد سلطانیه کارکردهای چندگانه‌ای داشته که مهم‌ترین آن بهره‌برداری نهاد سیاسی



شکل شماره چهار- مینیاتور ارگ شهر سلطانیه اثر مطراقچی، دوره صفوی؛ بخش‌ها: ۱: گنبد سلطانیه - ۲: بقعه چلبی اوغلو - ۳: مسجد جامع - ۴: بازارها؟ - ۵: ارگ (سمت چپ) (منبع: موزه توبقایی سرای استانبول، بخش‌های تأکید شده از نگارندگان می‌باشد). شکل شماره پنج- راه‌های منتهی به مرکز شهر سلطانیه از اقصا نقاط امپراتوری (سمت راست) (منبع: مهریار و همکاران، ۱۳۶۴: ۲۶)



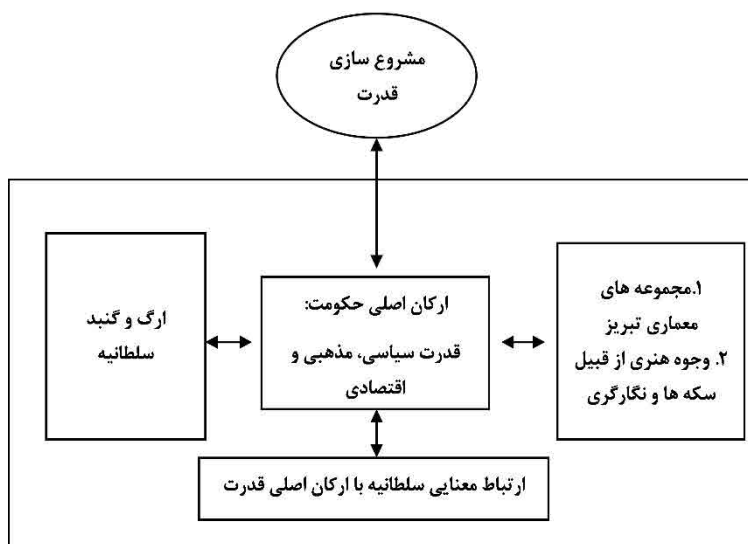
اصلی قدرت از منظر تاریخی‌نگری بدین‌صورت جمع‌بندی کرد (جدول ۱ و شکل ۶).

بعد از ارائه توضیحات بالا می‌توان در جدول و نمودار زیر مشخصات بافتی، روابط بینامتنی، معانی ضمنی حاصل از روابط گنبد سلطانیه نسبت به سایر آثار معماری ایلخانی هم‌زمان و نحوه ارتباط معنایی گنبد سلطانیه را با ارکان

جدول شماره یک- معانی ضمنی گنبد سلطانیه از منظر روش‌شناسی تاریخی‌نگری (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱)

اثر	بافت زمانی (ق.ه)	موقعیت	بافت فرهنگی اجتماعی	روابط بینامتنی	معانی ضمنی
گنبد سلطانیه	۷۰۴ تا ۷۱۶	شمال غرب ایران	برقراری صلح و آرامش نسبی در مرزها، تقویت و حضور عنصر شیعه و تصوف در جامعه	رابطه بینامتنی با مجموعه‌های معماری تبریز و شهرهای واقع شده در شاهراه تجاری شرق و غرب	- پیوند و هم‌نشینی عناصر اصلی حکومت شامل ارگ سلطنتی (قدرت سیاسی)، مدارس شیعی و خانقاه (قدرت مذهبی)، و راه‌های متعدد تجاری و بازار ارگ (قدرت اقتصادی) - هم‌نشینی با شهر تبریز در ارکان قدرت سیاسی و جانشینی و برتری نسبی در قدرت اقتصادی و مذهبی در این بازه زمانی نسب به سایر شهرها
شنب‌غازان	۶۹۶ تا ۷۰۲	غرب تبریز	اوج قدرت ایلخانان، ثبات اقتصادی و سیاسی و درنهایت تثبیت نسبی جایگاه و مشروعیت مغولان در ایران	پیوند با ربع رشیدی در شرق تبریز و همچنین اردوهای ایلخان در اطراف تبریز و پیوند با مرکز شهر و دارالحکومه	- ترکیب و هم‌نشینی عنصر قدرت (بناهای حکومتی) و مذهب (آرامگاه، خانقاه)
ربع رشیدی	۶۹۹ تا ۷۰۹	شرق تبریز	اوج قدرت ایلخانان و ثبات سیاسی، برتری	پیوند با شنب‌غازان در شرق تبریز	- دارای عنصر قدرت‌ساز مذهبی با رونق علوم مختلف در مجموعه و

تعدیل عنصر مذهب بین شنب‌غازان و ربع رشیدی		عنصر شیعه بر سایر مذاهب در دوره اولجایتو			
تمركز و هم‌نشینی نسبی عناصر و مصادیق قدرت مذهبی (مسجد)، قدرت سیاسی (كاخ‌ها) و قدرت اقتصادی (راسته بزرگ بازارشهر تبریز) در ارگ علیشاه	پیوند با شنب‌غازان در غرب تبریز و ربع رشیدی در شرق	آرامش نسبی و صلح در مرزها، برتری مذهب تسنن در دوران ابوسعید	مرکز شهر	۷۱۶ تا ۷۲۴	ارگ علیشاه



شکل شماره شش- نحوه ارتباط معنایی گنبد سلطانی با ارکان اصلی قدرت (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱)

۴ تطبیق و تحلیل یافته‌ها

بعد از مطالعه گنبد سلطانی به دو روش‌شناسی سنت‌گرایی و تاریخی‌نگری می‌توان معانی و مفاهیم ضمنی مستخرج از هر کدام را بدین‌صورت دسته‌بندی و ضعف‌ها و انتقادات هر یک بر دیگری را مشخص نمود. همان‌گونه که دیده می‌شود کاربرد روش تاریخی‌نگری در معماری تاریخی نسبت به روش‌شناسی

سنت‌گرایی پارادایم‌های گسترده‌تری را در مطالعه گنبد سلطانی درگیر نموده و معانی مستتر و ضمنی را با کاربری مکانیزم‌های خاص خود استخراج می‌نماید. در معانی ضمنی پس از گذر از معانی ابتدایی، معانی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اثر را مطمح نظر قرار داده‌ایم. ذکر این نکته نیز ضروری است که معانی بناهای مختلف بسته به بافت موقعیتی، دوره زمانی، کاربرد و ... در تاریخی‌نگری ممکن است دستخوش تغییر و



به مطالعه آثار مذهبی شاهانه همانند گنبد سلطانیه داشته باشد. با این حال بدون مطالعه آثار دوران اسلامی به صورت تکنگاری و از طریق روش‌شناسی‌های تطبیقی هرگونه صحبت از معانی عام و کلی نتایج ضدونقیض حاصل خواهد کرد (جدول ۲ و ۳).

تحولات زیادی شود. از همین رو قطعاً مفاهیم مختلف در مطالعه گنبد سلطانیه به عنوان بنایی شاهانه با مسجدی که حامی و بانی شخصی و نیت خیرخواهانه داشته متفاوت خواهد بود و به تبع معانی مستخرج شده نیز تفاوت خواهد داشت. چه‌بسا در مطالعه بنایی کاملاً دینی، روش‌شناسی سنت‌گرایی کارایی بیشتری نسبت



جدول شماره دو- معانی ضمنی سنت گرایانه در گنبد سلطانی و نقد روش شناسی تاریخی نگری بر آن (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱)

معانی ضمنی سنت گرایی	نمودهای معانی در سلطانیه	نقد روش تاریخی نگری بر سنت گرایی
مصدق عالم قدس	کاربرد آیات قرآنی با مضامین توحیدی	- تعمیم مفاهیم دینی بر مجموعه های معماری و عدم توجه به بافت زمانی، موقعیتی و سیاسی - عدم توجه به تأثیرات و روابط بینامتنی آثار همزمان مانند ارگ علیشاه و سایر مجموعه های معماری تبریز
مفاهیم مرتبط با ولایت	قرار گرفتن کلمات «الله» و «محمد» در داخل ستاره ها در کتیبه ها	- غفلت از سطوح معنایی مختلف و نتیجه گیری های جزئی از مفاهیم کلی توحیدی و عرفانی
اتحاد شریعت، طریقت و حقیقت	کتیبه های حاوی «محمد»، «علی»، «لا اله الا الله الواحد»	- در نظر نگرفتن مستندات تاریخی و اوضاع سیاسی و اجتماعی دوره و جایگاه فرقه ها و مذاهب مختلف در حکومت و نحوه مشروعیت بخشی به خوانین
مفهوم عدالت	گنبدها و مناره های بلند و رعایت قرینگی به جز در مواردی معدود	- عدم توجه به جایگاه معماران و هنرمندان در ساخت بنای شاهانه ای چون گنبد سلطانیه - چشم پوشی از مباحث فنی پیرامون لزوم ساخت مناره های بلند و چندگانه جهت تنظیم نیروهای مختلف دیوارهای ضخیم - غفلت از قابلیت های فرمال و زیبایی شناختی بنا
مفاهیم مرتبط با تصوف و عرفان	کاشی های معرق آبی رنگ و کتیبه های با مضامین توحیدی	- عدم توجه به مباحث تأثیر اعتقادات صحرانشینی مانند شمنیسم گرایی مغولان و تزئینات یورت های ایشان و داده های تاریخی، باستان شناسی و اسطوره ای به دست آمده از نحوه زندگی ابتدایی مغولان - عدم توجه به کاربرد کاشی های آبی رنگ در دوره های قبل
تداعی بخش بهشت	باغ، کوشک و فضای سبز اطراف گنبد سلطانیه در دوره ایلخانی	- عدم توجه به مباحث منظر سازی و تلاش برای تثبیت مشروعیت خوانین مغول در جهان اسلام با توجه به نقش رسانه ای مناظر شهری در شهر تجاری سلطانیه



جدول شماره سه- معانی ضمنی تاریخی‌نگری در گنبد سلطانیه و نقد روش‌شناسی سنت‌گرایی بر آن (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱)

معانی ضمنی تاریخی‌نگری	نمودهای معانی در سلطانیه	نقد روش سنت‌گرایی
- پیوند و هم‌نشینی عناصر اصلی حکومت شامل قدرت سیاسی، مذهبی و اقتصادی در ارگ و گنبد سلطانیه - نمودهایی از عرف‌گرایی - گفتمان ارکان اصلی قدرت و هنر در گنبد سلطانیه	- ساخت کاخ و ارگ سلطنتی در مجاورت مقبره (قدرت سیاسی) - ایجاد مدارس شیعی و خانقاه با تدریس بزرگان دینی چون علامه حلی (قدرت مذهبی) - ایجاد بازاری بزرگ در ارگ و تغییر مسیر راه‌های بزرگ تجاری به سمت سلطانیه (قدرت اقتصادی) - تأثیر تمایلات مرکزگرایی در انتخاب محل ساخت سلطانیه و استحاله باورهای شمنی و سنن قبلی در تصوف قرن ۷ ه.ق با تکیه بر مستندات تاریخی (عرف‌گرایی) - تلاش خوانین برای مشروعیت حکومت در سطح جهان اسلام (بعد از مسلمانی، خوانین در سطح ایران از مشروعیت برخوردار بودند) و در نتیجه استفاده از منظرسازی در ارگ و گنبد سلطانیه با هدف مشروع‌سازی قدرت و کسب اقتدار با تلاش وزرای ایرانی (امرسالاری) - تشکیل روابط بینامتنی با سایر آثار معماری از جمله ارگ علیشاه و اشتراکات معانی بین این دو (تبدیل به نشانگی) - دیوارهای سترگ و مناره‌های بلند مقبره، باغ و بوستان و فضای سبز اطراف، کاخ، بازار، مدرسه غیاثیه و خانقاه‌ها مصداق هم‌نشینی عناصر حکومت‌ساز و گفتمان قدرت و هنر	- عدم توجه به حقایق فرازمانی و فرامکانی - عدم توجه به ارتباط علوم و معنویت - اتکای بیش‌ازحد بر منابع و داده‌های تاریخی و مادی - عدم توجه به نماد در معنی صورت و معنا در عالم

۵ نتیجه‌گیری

تعمیم مفاهیم کلی دینی بر مجموعه‌ای معماری، عناصر مختلف به‌کاررفته در گنبد سلطانیه را مصداق عالم قدس، اتحاد شریعت، طریقت و حقیقت، حامل مفاهیم ولایت، حاوی مفاهیم مرتبط با تصوف و عرفان و باغ‌ها و بوستان‌های اطراف گنبد را تداعی‌بخش بهشت قلمداد کرده‌اند. مطالعه عناصر مختلف معماری و تزئینات ارگ و گنبد سلطانیه به روش تاریخی‌نگری نشان می‌دهد در

در مطالعه ماهیت و معانی مستخرج از گنبد سلطانیه با اتکا بر روش‌شناسی سنت‌گرایی، عناصر و تزئینات مختلف مجموعه به جای آنکه با رویدادهای تاریخی توجیه و تبیین شود، با مؤلفه‌های فکری و اعتقادی دین سنجیده شده است. سنت‌گرایان با تأکید بر حقایق فراتاریخی و عرفانی و



تمامی عناصر نشانه‌ای و مصادیق قدرت‌ساز اعم از قدرت سیاسی (کاخ و ارگ سلطنتی)، مذهبی (مدارس شیعی و خانقاه) و اقتصادی (بازار بزرگ و راه‌های تجاری منتهی به ارگ) را دارا می‌باشد. طبق مبانی تاریخی‌نگری گنبد سلطانیه از طریق بسط روابط بینامتنی با سایر مجموعه‌های معماری هم-زمان، از جمله ارگ علیشاه تبریز، به نوعی نشانگی در مفاهیم قدرت‌ساز رسیده و مباحث مربوط به منظرسازی در ارگ سلطانیه طی آخرین سطح مشروع‌سازی قدرت خوانین ایلخانی شایسته توجه بیشتری می‌باشد که در روش‌شناسی سنت‌گرایی به دلیل مسلم انگاشتن برخی انگاره‌های دینی و عرفانی از آن‌ها چشم‌پوشی شده است. ذکر این نکته نیز ضروری است که هرچند می‌توان از مبانی و اصول کلی روش تاریخی‌نگری به‌کاررفته در فهم معانی گنبد سلطانیه در سایر آثار معماری تاریخی نیز بهره جست، ولی تعمیم نتایج به‌دست‌آمده از آن به سایر آثار تاریخی امکان‌پذیر نبوده و نتیجه‌گیری‌های جزئی و دقیق، مطالعه مصداقی و تک‌نگارانه آثار را می‌طلبد. چه بسا در مطالعه آثار معماری تاریخی با کارکردهای کاملاً مذهبی بهره‌گیری از روش‌شناسی سنت‌گرایانه و یا نگاه ترکیبی موجب حصول نتایجی دقیق‌تر و عدم غفلت از جنبه‌های مختلف اثر شود.

مطالعه مجموعه سلطانیه، پارادایم‌های گسترده‌تری درگیر شده و بدین ترتیب معانی ضمنی‌تری آشکار می‌گردد. طبق این روش مطالعه گنبد سلطانیه بدون در نظر گرفتن بافت‌های (زمانی، مکانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) مختلف آن امکان‌پذیر نبوده و نتایج به‌دست‌آمده از طریق روش‌شناسی سنت‌گرایی تمامی جوانب را پیرامون گنبد سلطانیه آشکار نمی‌کند. کاربرست این رویکرد در پژوهش حاضر و نمونه مورد مطالعه نشان داد قسمت‌های مختلف سلطانیه از لایه‌های دلالتی متعددی برخوردار بوده و از سازمان درونی و بیرونی تشکیل یافته‌اند.

کاربرد روش تاریخی‌نگری بیانگر این است که در مطالعه گنبد سلطانیه به عنوان مقبره‌ای شاهانه، سنت‌گرایی با تعمیم مفاهیم دینی بر مجموعه‌ی معماری و عدم توجه به مباحث مربوط به مشروعیت و اقتدار خوانین در سطح جهان اسلام و بی‌توجهی به داده‌های تاریخی و باستان‌شناسی متعدد، موجب خوانشی ناقص از معانی مجموعه گنبد سلطانیه شده است. طبق مطالعه تاریخی‌نگری صورت گرفته در این پژوهش در مجموعه سلطانیه همه ارکان اصلی قدرت - سیاسی، مذهبی، اقتصادی - در یک نظام ساختاری در زمان سلطان اولجایتو هم‌نشین شده و کلیت ساختار و شبکه قدرت را بازمی‌تابانند. می‌توان گفت سلطانیه

پی‌نوشت

1. Traditionalism
2. Monographie
3. Historicism
4. Keith Critchlow
5. Semiosis



منابع

بیانی، شیرین، (۱۳۹۷)، **مغولان و حکومت ایلخانی در ایران**، چ ۱۳، تهران: سمت.

بیتهم، دیوید، (۱۳۹۰)، **مشروع سازی قدرت**، ترجمه محمد عابدی اردکانی، چ ۲، یزد: مرکز انتشارات دانشگاه یزد.

ثبوتی، هوشنگ، (۱۳۶۹)، **بررسی آثار تاریخی سلطانی، چ ۱**، زنجان: چاپ ستاره.

ثبوتی، هوشنگ، (۱۳۸۰)، **معماری گنبد سلطانی در گذرگاه هنر**، چ ۱، تهران: انتشارات پازینه.

جمال الدین، غلامرضا و احمد صالحی کاخکی، (۱۳۹۶)، «بررسی مؤلفه های معماری اسلامی دوره ایلخانان از دریچه تاریخ اجتماعی (دوره ایلخانان: معمار و صنف معماری، ناظر صنف، حامیان و بانیان)، **تحقیقات تاریخ اجتماعی**، ۷ (۱): ۸۴-۵۷.

جوینی، علاءالدین عطاملک، (۱۳۷۰)، **تاریخ جهان گشا**، به اهتمام عبدالوهاب قزوینی، چ ۳، تهران: انتشارات ارغوان.

حافظ ابرو، (۱۳۵۰)، **ذیل جامع التواریخ**، به اهتمام خان بابا بیانی، چ ۲، تهران: انجمن آثار ملی.

حمزه نژاد، مهدی، (۱۳۹۰)، «**اصول مفهومی و راهبردهای کاربردی در طراحی معماری بناهای مذهبی در نگرش شیعه**»، پایان نامه دکتری معماری: دانشگاه علم و صنعت ایران.

حمزه لو، منوچهر، (۱۳۸۱)، **هنرهای کاربردی در گنبد سلطانی، چ ۱**، تهران: ماکان.

خیری، سیروس و علی صدرایی، (۱۳۸۱)، **ارگ علیشه اثری ماندگار**، چ ۱، تبریز: انتشارات مهد آزادی.

رضوی، سید ابوالفضل، (۱۳۹۰)، **شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان**، چ ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.

رهنورد، زهرا، (۱۳۷۴)، **مقدمه ای بر حکمت هنر اسلامی، هنرهای زیبا**، ۳ (۴ و ۵): ۳۲-۲۲.

سلمانی، علی و حمیدرضا چتر بحر، (۱۳۹۵)، «**روش شناسی تطبیقی مطالعه هنر اسلامی (با**

آلن، تری، (۱۳۸۵)، «**تصویر بهشت در هنر اسلامی (نقدی بر رویکرد غیرتاریخی بر هنر اسلامی)**»، ترجمه امینه انجم شعاع، **گلستان هنر**، ۲ (۲): ۶۶-۵۱.

آملی، شمس الدین محمد بن محمود، (۱۳۸۱)، **نفایس الفنون فی عرایس العنون**، چ ۲، محقق ابوالحسن شعرانی، تهران: اسلامیه.

آیتی، عبدالمحمد، (۱۳۸۳)، **تحریر تاریخ و صاف**، چ ۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ابن بطوطه، محمد بن عبدالله بن محمد، (۱۳۵۹)، **سفرنامه ابن بطوطه**، ترجمه محمدعلی موحد، چ ۱، چ ۲، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

استرلین، هنری، (۱۳۹۹)، **هنر و معماری اسلامی**، ترجمه غلامحسین علی مازندرانی، چ ۲، تهران: یزدا.

اشپولر، برتولد، (۱۳۹۷)، **تاریخ مغول در ایران**، ترجمه محمود میر آفتاب، چ ۱۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۸۹)، **تاریخ مغول**، چ ۲، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.

اکبریان، وحیده، (۱۳۹۳)، «**نمادشناسی در نقوش و تزئینات بنای گنبد سلطانی**»، پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه هنر تهران.

ایروین، روبرت، (۱۳۸۹)، **هنر اسلامی**، ترجمه رویا آزادفر، چ ۱، تهران: سوره مهر.

بریان، پیر، (۱۳۸۱)، **امپراتوری هخامنشی**، ترجمه ناهید فروغان، چ ۱، تهران: فروزان روز.

بورکھات، تیتوس، (۱۳۶۹)، **هنر مقدس: اصول و روشها**، ترجمه جلال ستاری، چ ۱، تهران: انتشارات سروش.

بورکھات، تیتوس، (۱۳۷۶)، **ارزشهای جاویدان هنر اسلامی؛ مبانی هنر معنوی (مجموعه مقالات)**، ترجمه سید حسین نصر، تهران: دفتر مطالعات دینی.



فیضی، فرزاد؛ شهبازی‌شیران، حبیب و کریم حاجی‌زاده، (۱۳۹۹)، «فرآیند معناپردازی در ارک علیشاه تبریز با تحلیلی بر داده‌های تاریخی»، **تاریخ و تمدن اسلامی**، ۱۶ (۳۳): ۹۳-۱۲۷.

کاشانی، ابوالقاسم، (۱۳۸۴)، **تاریخ اولجایتو**، به اهتمام مهین همبلی، چ ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

کاظمی، سامره و سیدرضی موسوی گیلانی، (۱۳۹۸)، «مطالعه تطبیقی نقوش هنر اسلامی از دیدگاه سنت‌گرایی و تاریخی‌نگری بر اساس آرای کیت کریچلو و گل رو نجیب اوغلو»، **مطالعات تطبیقی هنر**، ۹ (۱۷): ۹۳-۱۰۶.

کریمیان، حسن و بهزاد مهدی‌زاده، (۱۳۹۶)، **شهرهای ایران عصر ایلخانی تحلیلی بر نقش وقف در توسعه شهرهای دوران ایلخانی**، چ ۱، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

کیانی، محمد یوسف، (۱۳۸۹)، **تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی**، چ ۱۲، تهران: انتشارات سمت.

گدار، آندره، (۱۳۸۷)، **آرامگاه اولجایتو در سلطانیه، در سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز**، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، چ ۳، چ ۱، تهران: علمی فرهنگی.

گرابار، الگ، (۱۳۸۴)، **مروری بر نگارگری ایرانی**، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، چ ۱، تهران: فرهنگستان هنر.

گرابار، الگ، (۱۳۸۸)، **هنر و فرهنگ در جهان اسلام**، ترجمه اکرم قیطاسی، چ ۱، تهران: سوره مهر.

گرابار، الگ و ریچارد اتینگهاوزن، (۱۳۹۰)، **هنر و معماری اسلامی**، ترجمه یعقوب آژند، چ ۸، تهران: سمت.

لین، جورج، (۱۳۹۰)، **ایران در اوایل عهد ایلخانان؛ رنسانس ایرانی**، ترجمه سید ابوالفضل رضوی، چ ۱، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

تأکید بر نمونه محراب»، **پژوهش‌های باستان‌شناسی**، ۶ (۱۱): ۱۷۷-۱۹۰.

سلیمانیان، حمیدرضا، (۱۳۸۸)، «همگرایی هنر و عرفان در فرهنگ ایرانی - اسلامی»، **فصل‌نامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد**، ۵ (۲۱): ۵۸-۷۳.

سیاه کوهیان، هاتف، (۱۳۹۱)، «تأثیر عرفان اسلامی بر معماری ایرانی با تأکید بر تزئینات گنبد سلطانیه. **نشریه عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)**، ۹ (۳۴): ۴۷-۶۴.

شکفته، عاطفه و احمد صالحی‌کاخی، (۱۳۹۳)، «شیوه‌های اجرایی و سیر تحولات تزئینات گچی معماری ایران در قرون هفتم تا نهم هجری»، **فصل‌نامه علمی - پژوهشی نگره**، ۹ (۳۰): ۶۲-۸۲.

شووان، فریده‌هوف، (۱۳۷۶)، **هنر و معنویت**، ترجمه سید حسین نصر، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.

صحراگرد، مهدی، (۱۳۹۲)، **شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی؛ کتیبه‌های مسجد گوهرشاد**، چ ۱، مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری.

صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۵۵)، **تاریخ ادبیات ایران**، چ ۳، چ ۱، تلخیص از محمد ترابی، تهران: فردوس.

عالی، ابوالفضل، (۱۳۸۴)، **گزارش بررسی ابهر**، سازمان میراث فرهنگی: منتشرنشده.

فغفوری، رباب و حسن بلخاری‌قهی، (۱۳۹۴)، «تجلی تفکر شیعی در معماری و تزئینات گنبد سلطانیه»، **مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی**: ۱-۱۷.

فیضی، فرزاد؛ شهبازی‌شیران، حبیب و کریم حاجی‌زاده، (۱۴۰۱)، «برهم‌کنش و روابط معنایی رمزگان‌های مشروعیت‌بخش در عناصر بصری سکه‌های ایلخانی با اتکا بر رویکردهای نشانه‌شناسی»، **تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام**، ۱۳ (۳۰): ۱۱۵-۱۴۰.



شمینسم مغولان بر معماری دوره ایلخانان ایران»،
هویت شهر، ۸ (۲۰): ۶۷-۷۶.

نجیب اوغلو، گل رو (۱۳۷۹)، **هندسه و تزئین در معماری اسلامی**، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، چ ۱، تهران: روزنه.

نخجوانی، محمد بن هندوشاه، (۱۳۵۵)، **دستور الکاتب فی تعیین المراتب**، تصحیح عبدالکریم علی اوغلو، چ ۱، مسکو: دانش.

نصر، سیدحسین، (۱۳۸۳)، **اسلام و تنگناهای انسان متجدد**، ترجمه انشالله رحمتی، چ ۱، تهران: دفتر نشر سهروردی.

نوربخش، مسعود، (۱۳۶۴)، **مسافران تاریخ**، چ ۱، تهران: جیران.

هاورز، آرنولد، (۱۳۸۲)، **فلسفه تاریخ هنر**، ترجمه محمدتقی فرامرزی، چ ۲، تهران: نگاه.

هیلن‌براند، روبرت، (۱۳۹۱)، **معماری اسلامی**، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، چ ۶، تهران: انتشارات روزنه.

وصاف‌الحضره، فضل‌الله بن عبدالله، (۱۳۳۸)، **تاریخ وصاف‌الحضره**، به اهتمام محمدمهدی اصفهانی، چ ۱، تهران: کتابخانه ابن‌سینا و کتابخانه جعفری تبریز.

ویلبر، دونالد، (۱۳۶۵)، **معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان**، ترجمه عبدالله فریار، چ ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

متدین، حشمت‌الله، (۱۳۸۹)، «علل پیدایش باغ‌های تاریخی ایران»، **باغ نظر**، ۷ (۱۵): ۵۱-۶۲.

مرادی‌نسب، حسین؛ بمانیان، محمدرضا و ایرج اعتصام، (۱۳۹۶)، «بازشناسی تأثیر اندیشه‌های عرفانی در پدیداری رنگ آبی در کاشیکاری مساجد ایران»، **فصل‌نامه پژوهش‌های معماری اسلامی**، ۵ (۱۴): ۴۸-۳۲.

مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر، (۱۳۳۶)، **نزه‌القلوب**، به کوشش محمد دبیر سیاقی، چ ۱، تهران: طهوری.

مهریار، محمد؛ کبیری، احمد و فائق توحیدی، (۱۳۶۴)، «بررسی و پیگردی مقدماتی: برج و باروی ارگ شهر قدیم سلطانیه»، **فصل‌نامه اثر**، ۵ (۱۲): ۲۶۴-۲۰۹.

موسوی‌گیلانی، سیدرضی (۱۳۹۵)، **درآمدی بر روش‌شناسی هنر اسلامی**، چ ۲، قم: نشر ادیان.

موسوی، سیدرضی و علی یحیایی، (۱۳۸۹)، «مقایسه دو دیدگاه پدیدارشناسی و تاریخی‌نگری در بررسی هنر اسلامی»، **فصل‌نامه علمی پژوهشی قبسات**، ۱۶ (۶۰): ۱۹۱-۲۱۸.

میرخواند، میرمحمد سید برهان‌الدین، (۱۳۸۰)، **روضه‌الصفاء**، ترجمه جمشید کیافر، چ ۵، چ ۱، تهران: اساطیر.

میری‌نژاد، سهیل؛ سلجی، نفیسه؛ شهلا، نسیم؛ شکوری، شبنم و مجتبی میرفردوس، (۱۳۹۳)، «تأثیر



Hegel, G.W.F (2001), *Philosophy of History*, (Translated by J. Sibree), Canada: Batoche Books.

Hatef Naiemi, Atri (2020), *The Ilkhanid City of Sultaniyya: Some Remarks on the Citadel and the Outer City*. *Journal of the British Institute of Persian Studies*, 60 (1), 1 – 31.

Chardin, J (1686), *The Travels of Sir John Chardin into Persia and the East-Indies: The First Volume, Containing the Author's Voyage from Paris to Ispahan: To Which is Added, The Coronation of This Present King of Persia, Solyman the Third*. London: Printed for Moses Pitt.